

راضی مَشُو آقا که من حَسَرَت بُخورم

(راضی مَشُو آقا که من حَسَرَت بُخورم) ۲

دور از حَرَم باشم خاکِ غُرَبَت بُخورم

من ماندم با، این خاطره‌ها

بابِ قِبَله، ایوونِ طلا

می پیچم از درد، در غَم آسیرم

راضی مَشُو که آتش بگیرم

من گفته بودم، مالِ تو هستم

راضی مَشُو که آقا، اینجا بِمیرم

(راضی مَشُو آقا که من حَسَرَت بُخورم) ۲

دور از حَرَم باشم خاکِ غُرَبَت بُخورم

(من ماندم با، این خاطره‌ها) ۲

بابِ قِبَله، ایوانِ طلا

من ماندم با، این خاطره‌ها

بابِ قِبَله، ایوانِ طلا

می پیچم از درد، در غَم آسیرم

راضی مَشُو که آتش بگیرم

من با درد، هِجران چه گنم

با این آه، سوزان چه گنم

(راضی مَشُو آقا که من حَسَرَت بُخورم) ۲

دور از حَرَم باشم خاکِ غُرَبَت بُخورم

(آقا مَبادا قیدِ این دل را بَرَنی

جانم بگیر اَمّا بدان تو جانِ مَنی) ۲

زُلفت، جُرم، حیرانی من

سِیل، اشک، طوفانی من

(با خاطراتِ در سینه غوغاست

اینجا غریبم خاکِ من آنجاست) ۲

رَحمی، گُن بر، این اشکِ روان

گُنچِ صَحَنَت، جانم بِسِتان

(راضی مَشُو آقا که من حَسَرَت بُخورم) ۲

دور از حَرَم باشم خاکِ غُرَبَت بُخورم

(حسین، وای) ۵